

جمعه 22 آذر 1398 - 15 ربیع الثانی 1441 - 13 دسامبر 2019

رحلت مرجع بزرگ و فقیه کبیر "میرزا حبیب الله رشتی" (1273 ش)



حلت مرجع بزرگ و فقیه کبیر "میرزا حبیب الله رشتی" (1273 ش)، مرجع عالیقدر تشیع، میرزا حبیب الله رشتی در سال 1198 ش (1234 ق) در املش گیلان به دنیا آمد. وی پس از یک درگیری که با خان منطقه پیدا کرد، راهی قزوین شد و نزد شیخ عبدالکریم ایروانی شاگردی نمود تا این که در 25 سالگی به اجتهاد دست یافت. ایشان سپس برای استفاده از معارف دینی، راهی نجف اشرف شده و از محضر فقیه بزرگ، شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری فیض برد. میرزا حبیب الله رشتی پس از ارتحال شیخ انصاری از جمله ارکان مرجعیت بود ولی هیچ گاه خود را برای ریاست حوزه معرفی نکرد و وجوه شرعی را قبول ننمود. در حلقه درس میرزای رشتی شاگردان فاضل بسیاری شرکت می کردند که حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمدکاظم یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزا حسین نایینی، شیخ عبدالله مازندرانی، شیخ فضل الله نوری و سیدابوالحسن اصفهانی و... از آن جمله رشتی بودند. همچنین آثار متعددی از این فقیه وارسته و مرجع جلیل بر جای مانده که بدایع الافکار، الالتقاط، الامامه و الاجتماع الامر و النهی و... از کتب ارزشمند ایشان می باشد. سرانجام میرزا حبیب الله رشتی در 22 آذر 1273 ش برابر با 14 جمادی الثانی 1312 ق در 75 سالگی در نجف اشرف رخ در نقاب خاک کشید و در یکی از حجره های صحن مطهر علوی به خاک سپرده شد.

مهاجرت علمای تهران به ری معروف به "مهاجرت صغری" (1283 ش) در اثر فراگیر شدن ظلم و فساد و فقر و فحطی، در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، علما که از وضع موجود به شدت رنج می بردند، جهت اصلاح اوضاع و فشار به دولت، تصمیم به مهاجرت از تهران به حرم حضرت عبدالعظیم در شهر ری گرفتند. این سفر که در 22 آذر ماه 1284 ش برابر با 16 شوال 1323 صورت گرفت به مهاجرت صغری شهرت یافت و در ابتدا شامل دو هزار نفر بود. پس از چند روز، به تعداد متحصنین افزوده گشت و از ده هزار تن فراتر رفت. وعاظ و خطبا دائماً بر منبر رفته و از استبداد حکومت عین الدوله، صدر اعظم وقت، سخن می گفتند و خواستار تشکیل عدالت خانه می شدند. مظفرالدین شاه با مشاهده وخامت اوضاع، درصدد حل قضیه برآمد و سرانجام با خواسته آنان که تاسیس عدالتخانه در کلیه شهرهای ایران، اجرای قوانین اسلام در سراسر کشور، عزل موسیونوژ رئیس بلژیکی گمرک ایران و نیز عزل علاءالدوله حاکم ظالم تهران، موافقت نمود. این تحصن سرانجام در 22 دی 1284 ش به پایان رسید و با ادامه مبارزه توسط علما و مردم، مظفرالدین شاه مجبور شد فرمان مشروطه را در چهاردهم مرداد ماه 1285 ش امضا کند.

تغییر متمم قانون اساسی و تفویض و انتقال مقام سلطنت ایران به "رضاخان سوادکوهی" (1304 ش) پس از مدت ها تلاش برای قدرت طلبی و تغییر حکومت توسط رضاخان، سرانجام در نهم آبان 1304 ش مجلس مؤسسان که برای انتقال سلطنت از سلسله قاجار به خاندان پهلوی تشکیل شده بود، مأموریت خود را با تغییر اصولی از قانون اساسی انجام داد. 22 آذر 1304 مجلس مؤسسان با تغییر 4 اصل از متمم قانون اساسی، سلطنت را به رضاشاه و اعقاب وی تفویض کرد؛ تصمیمی که سرآغاز تغییر و تحولات زیادی در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی شد. به این ترتیب 153 سال حاکمیت شاهان قاجار بر ایران خاتمه یافت و حکومت 53 ساله رژیم پهلوی به طور رسمی از این روز آغاز شد. ویژگی های مشترک سلاطین قاجار به ویژه در سال های آخر آن و نیز پهلوی، استبداد داخلی، بی کفایتی و فرمان برداری آنان از دولت های بیگانه بود. رضاخان میرپنج که یک درجه دار ارتش بوده و با توطئه و کمک انگلیس، در سال 1299 ش دست به کودتا زده بود، زمام امور را به دست گرفته و در این روز، رسماً شاه ایران شد. او در 15 اردیبهشت سال بعد، پس از مراسم تاج گذاری، تاسیس سلسله پهلوی را اعلام کرد. رژیم دیکتاتوری پهلوی نیز به دلیل وابستگی به قدرت های بیگانه و نیز روا داشتن ظلم و ستم فراوان بر مردم ایران، در بهمن 1357 در پی پیروزی انقلاب اسلامی، سرنگون گردید.

درگذشت "گوستاو لوبون" مستشرق و نویسنده معروف فرانسوی (1931 م) گوستاو لوبون، دانشمند متفکر و نویسنده فرانسوی متخصص در تاریخ تمدن اسلامی در سال 1841 م در فرانسه به دنیا آمد. وی پس از طی دروس مقدماتی، به تحصیل در رشته پزشکی پرداخت و در این رشته فارغ التحصیل شد. دکتر لوبون از پزشکانی بود که به این نکته پی برد که در پیکر انسان نیرویی است که با هر درد و درمانی رابطه مستقیم دارد و شخص را زودتر از هر چیز رنجور می سازد و بهتر از هر چیز درمان می بخشد. وی دریافت که روح انسان نیرویی است که هم پزشک است و هم بیمار، هم درد است و هم دارو؛ همان چیزی که اگر دردمند شد دیگر داروی پزشکان به درمان آن توانا نیست و نیروی طب در برابر آن، ناتوان خواهد شد. لوبون دانست که پزشک باید بیشتر از راه روان، بیمار را شفا بخشد زیرا انسان در میان جماعت زندگی می کند و در پیرامون جامعه رنجور می شود و جامعه روان، او را رنجور می گرداند. وقتی که روان، بیمار شد، بدن هم بیمار می شود. پس پزشک باید روان پزشک هم باشد. از این رو، گوستاو لوبون راه نزدیکی بین روان و پیکر آدمی را پیمود و از کالبد به روح پرداخت و جان و تن

را به يك‏ديگر نژديك ساخت. وي در اين زمينه به بررسي‏هاي عميقي درباره روابط آن دو با يك‏ديگر پرداخت و اساس تحقيقات خود را بر روان‏شناسي قرار داد. با اين حال، آن چه گوستاو لوبون را به شهرت رساند، تحقيقات تاريخي و اجتماعي او بود چرا كه به بررسي درباره روان‏شناسي اجتماعات مختلف و توسعه و تكامل فرضيه روان‏شناسي اجتماعي علاقه تامي داشت. وي اساس تحقيقات اجتماعي خود را بر روان‏شناسي قرار داد و براي شناختن روحيات ملل مختلف به سير و سياحت پرداخت. لوبون هم‏چنين كتاب‏هاي متعددي در اين موضوع نگاشت كه مورد استقبال متفكران كشورهاي گوناگون، قرار گرفت و به زبان‏هاي مختلف ترجمه شد. گوستاو لوبون در سياحت‏هاي طولاني خود، مجذوب تمدن مشرق زمين شد و درباره آن، بررسي‏هاي عميقي به عمل آورد و حاصل آن را در چهار كتاب مشهور خود تحت عنوان تمدن عرب، تمدن هندوستان، تمدن مصري و تمدن عرب در اندلس انتشار داد. دكتر گوستاو لوبون سرانجام در 13 دسامبر 1931م در نود سالگي در نزديكي پاریس درگذشت.